



درس هفتم

آینده تاریخ

اعتقاد به «موعود» و «منجی» در ادیان الهی و به خصوص در اسلام یک اعتقاد عمیق و استوار است. این اعتقاد نشانهٔ بینش درست ادیان الهی به تاریخ و سرنوشت انسان است و به همین جهت نیازمند بررسی و دقت نظر جدی است. در این درس می‌خواهیم بدانیم: این اعتقاد چه جایگاهی در اندیشهٔ اسلامی دارد و چگونه زندگی مسلمانان را تحت تأثیر قرار می‌دهد؟

وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ
وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ
لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ
كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ
وَلَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ
الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ
وَلَيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا
يَعْبُدُونَنِي
لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا

خداوند به کسانی از شما که ایمان آورده
و کارهای شایسته انجام داده‌اند، وعده داده است
که آنان را جانشین در زمین قرار دهد
همان‌طور که قبل از آنان کسانی را جانشین قرار داد.
و برای آنان دینشان را مستقر سازد
که برای آنها پسندیده است
و بیمشان را به ایمنی مبدل گرداند
تا مرا پرستند
و به چیزی شرکت نورزند

نور، ۵۵

و تُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ
عَلَى الَّذِينَ اسْتَضَعِفُوا فِي الْأَرْضِ
وَنَجْعَلَهُمْ أَيْمَةً
وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ

و می‌خواهیم منت نهم
بر کسانی که ناتوان شمرده شده‌اند در زمین
و آنان را پیشوایان [مردم] قرار دهیم
و آنان را وارثان [زمین] کنیم

قصص، ۵

وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ
أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا
عِبَادِي الصَّالِحُونَ

به راستی در زبور، پس از ذکر (تورات) نوشته‌ایم
که زمین را به ارث می‌برند
بندگان شایسته من

انبیا، ۱۰۵

هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ
بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ
لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ
وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ

او کسی است که رسولش را فرستاد
با هدایت و آیین حق
که بر همه دین‌ها چیره گرداند
هر چند مشرکان کراهت داشته باشند

توبه، ۳۳

در آیات بالا ببینید و ببینید که چه آینده‌ای برای تاریخ انسان پیش‌بینی شده است؟

آینده تاریخ

تاریخ زندگی انسان‌ها صحنه مبارزه دائمی حق و باطل بوده است. در جبهه حق، انسان‌هایی حضور دارند که در راه خداپرستی، عدالت، انسان‌دوستی، آزادگی، فضایل اخلاقی و دفاع از حقوق محرومان و مستضعفان تلاش کرده‌اند و صفحات تاریخ را با جهاد و ایثار خود زیبایی و شکوه بخشیده‌اند. در جبهه باطل، خودخواهان و خودپرستانی حضور دارند که شرک و کفر و ستمگری پیشه ساخته و برای رسیدن به خواسته‌های خود، به بهره‌کشی از انسان‌ها و دامن زدن به فساد و بی‌بند و باری پرداخته‌اند. نتیجه نهایی این مبارزه چیست و پیروزی از آن کدام جبهه خواهد بود؟ جبهه حق یا جبهه باطل؟

پاسخ به این سؤال با بینش انسان درباره جهان ارتباط دارد. آنان که از شناخت آفریننده جهان در مانده‌اند و اداره کننده‌ای مدبر و حکیم برای آن نمی‌شناسند، نمی‌توانند آینده‌ای روشن برای تاریخ انسان تصور کنند. اما خداپرستان که معتقدند یکی از نام‌های خداوند حق است و اوست که با حکمت خود، جهان را اداره می‌کند، بر اساس وعده الهی، باور دارند که آینده نهایی جهان از آن حق خواهد بود و باطل، شکست خورده و مغلوب، صحنه را ترک خواهد کرد.

موعود و منجی در ادیان

پیامبران الهی، برای تحقق وعده‌های الهی، از طرح خاصی برای پایان تاریخ سخن گفته‌اند. آنان می‌گویند که در پایان تاریخ، در حالی که شرایط کاملاً آماده شده است، یک ولی الهی ظهور می‌کند و حکومت جهانی و عادلانه‌ای تشکیل می‌دهد که فقط بر اساس دین خدا اداره می‌شود.

این عقیده اصلی پیامبران الهی است اما همان‌طور که قبلاً دیدیم، تعلیمات هر پیامبری پس از وی دستخوش دگرگونی شد. از جمله این دگرگونی‌ها، اعتقاد خاصی بود که پیروان هر پیامبری درباره ظهور موعود پیدا کردند. با وجود این اعتقادات مختلف، همه در اصل الهی بودن پایان تاریخ و ظهور ولی خدا برای برقراری حکومت جهانی اتفاق نظر دارند.

— یهودیان معتقدند که هنوز «مسیح» و منجی نیامده است، روزی مسیح خواهد آمد و دین حضرت موسی علیه السلام را در جهان گسترش خواهد داد و عدالت را برقرار خواهد کرد.

مسیحیان بر این باورند که حضرت عیسی علیه السلام همان منجی و موعود آخرالزمان است. آنان در این باره عقیده‌ای یکی از یاران حضرت عیسی علیه السلام به نام پولس را پذیرفته‌اند که می‌گوید: منجی نهایی جهان حضرت عیسی علیه السلام است. او معتقد بود که حضرت عیسی علیه السلام در شبی که مأموران حاکم به مخفیگاهش حمله کردند، دستگیر شد؛ روز بعد او را به صلیب کشیدند و کشتند اما سه روز پس از مرگ، بر صلیب زنده

شد و به آسمان رفت. او دوباره ظهور می‌کند و انسان‌ها را نجات می‌دهد.^۱
در آیین زرتشتی، اعتقاد به شوشیانت که به معنای منجی و رهاننده است، اعتقاد رایجی است و در تمام متون زرتشتی به ظهور این موعود بشارت داده شده است.

اعتقاد به منجی در بین پیروان پیامبران، فرصت ارزشمندی برای همکاری میان آنها و تلاش برای تحقق آرمان‌های بزرگ همه پیامبران الهی، مانند معنویت، خداپرستی، عدالت، اخلاق و نفی حاکمیت کفر و ستم بر جهان است. این همکاری سبب نزدیکی و همدلی حق‌طلبان و مانع توطئه‌های ستمگران می‌شود.

موعود در اسلام

در روایات ما آمده است که در آخرالزمان منجی بزرگ انسان‌ها از نسل پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله ظهور خواهد کرد و حکومت واحد جهانی را تشکیل خواهد داد. یکی از لقب‌های این موعود «مهدی» است. بسیاری از علما و محدثین ما در کتاب‌های حدیثی خود بابتی را به این موضوع اختصاص داده و بعضی نیز کتاب‌های مستقلی در این باب نوشته‌اند. آنان ذکر کرده‌اند که در آینده از خاندان پیامبر فردی متولد خواهد شد که هم‌نام ایشان است.^۲ او به امر خدا قیام خواهد کرد و زمین را پس از آنکه از ظلم و ستم پرشده باشد، از عدل و داد پر خواهد کرد.^۳

بررسی

پیروان پیامبران الهی چگونه می‌توانند برای فراهم کردن زمینه ظهور منجی جهانی با یکدیگر همکاری کنند؟ پیشنهادهای خود را عرضه کنید.

۱- این درحالی است که در انجیل برنابا و انجیل یوحنا ذکر شده که حضرت عیسی صلی الله علیه و آله از آمدن پیامبری بعد از خود خبر می‌دهد و او را نجات بخش می‌خواند. قرآن کریم نیز گشتن و به صلیب کشیده شدن حضرت عیسی صلی الله علیه و آله را به صراحت رد می‌کند و می‌فرماید که آنان در این مسئله دچار اشتباه شدند (سوره نساء، آیه ۱۵۷).

۲- برخی از علما و دانشمندان که به این موضوع پرداخته‌اند و می‌توان به آثارشان مراجعه کرد، عبارت‌اند از: سعدالدین تفتازانی در کتاب شرح المقاصد، ابن حجر هیثمی در کتاب صواعق المحرقة، جلال‌الدین سیوطی در کتاب الحاوی للناوی، علامه منادی صاحب فیض‌القدیر، علامه خیرالدین آلوسی در غالبه المواعظ، شیخ محمد خضر حسین استاد دانشگاه الازهر در مجله تمدن اسلامی تحت‌عنوان نگرش بر روایات مربوط به مهدی، کنانی مالکی در کتاب نظم المتناثر من الحدیث المتواتر، عدوی مصری در کتاب مشارق الانوار، احمد قرمانی دمشقی در کتاب اخبار الدول و آثار الاول و محی‌الدین عربی در الفتوحات المکیة.

۳- شیعیان عقیده دارند که حضرت مهدی فرزند امام حسن عسکری است و هم‌اکنون به اذن و قدرت الهی در غیبت به سر می‌برد.

جهانی شدن، جهانی سازی و مهدویت

امروزه، با واقعیتی به نام جهانی شدن (Globality) مواجهیم و لازم است رابطه آن را با موضوع مهدویت بررسی کنیم. جهانی شدن به معنای گسترش ارتباطات میان انسان‌ها و افزایش تأثیر متقابل اقوام، ملت‌ها و کشورها بر یکدیگر است؛ به گونه‌ای که کمتر اتفاقی در گوشه‌ای از عالم رخ می‌دهد که مردم دیگر سرزمین‌ها از آن بی‌خبر بمانند و حیات اجتماعی آنان از این اتفاق تأثیر نپذیرد. پیدایش ابزارهای ارتباطی صوتی و تصویری و متنی مانند تلفن ثابت و سیار، رادیو، تلویزیون، ماهواره، اینترنت از یک طرف و وسایل نقلیه جدید مانند اتومبیل، قطار و هواپیما از طرف دیگر، ارتباط میان انسان‌ها را در نقاط مختلف کره زمین چنان توسعه داده است که گویی مانند مردم یک دهکده با هم آشنایند. از همین جاست که مفهوم «دهکده جهانی» (Global village) شکل گرفته است.

این یک واقعیت اجتماعی است که رخ داده است و اکنون ما در چنین جهانی زندگی می‌کنیم. با پدیدار شدن این واقعیت، قدرت‌های بزرگ و سلطه‌گر برنامه‌ریزی کرده‌اند که فرهنگ، اندیشه و آن شیوه زندگی را که خود می‌پسندند، جهانی کرده و بر سایر مردم تحمیل کنند. این طرح و برنامه را جهانی‌سازی (Globalisation) می‌نامند.

برای رسیدن به این منظور، از امکانات بسیار پیچیده آشکار و پنهان کمک می‌گیرند. شبکه‌های بزرگ تلویزیونی و رادیویی، ماهواره‌ها، شبکه‌های بسیار زیاد اینترنتی، فیلم‌های سینمایی، کتاب‌ها و نشریات، سازمان‌های گسترده اطلاعاتی و جاسوسی ابزار گسترش فرهنگ قدرت‌های بزرگ و به‌خصوص آمریکا هستند. پشتوانه این ابزار، قدرت نظامی، سیاسی و اقتصادی آمریکاست که با ایجاد رعب و ترس یا وابستگی و تسلیم‌طلبی یا طمع، زمینه را برای توسعه فرهنگ، اخلاق و آداب و رسوم آمریکایی آماده می‌کند؛ برای مثال، آمریکا پس از اینکه افغانستان و عراق را تصرف کرد، ده‌ها شبکه تلویزیونی به راه انداخت تا فرهنگ و اخلاق خود را بر مردم مسلمان این دو کشور تحمیل کند.

آنچه در اینجا حائز اهمیت و نیازمند روشن‌بینی است، این است که بدانیم با توجه به قدرت گسترده و پیچیده ارتباطات، شیوه‌های مدرن تبلیغ، مهم‌ترین ابزار یکسان‌سازی فرهنگی است. آنها از یک طرف به شکلی بسیار غیرمستقیم و از زبان ملت‌ها شکاف میان نسل‌ها را چنان بزرگ می‌کنند که نسل جدید احساس کند دیگر نمی‌تواند با فرهنگ خود ارتباط برقرار سازد و از طرف دیگر، عناصر فرهنگ خودی مانند نوع پوشش، سبک معماری، نوع غذا، شیوه‌های معاشرت و حتی ایده‌آل‌ها و آرمان‌های زندگی و به‌طور کلی شیوه زندگی خود را در زیباترین قالب‌های ممکن تبلیغی عرضه می‌کنند تا علاوه بر جلب نظر ملت‌ها، اندیشه آنها را دنباله‌رو خود سازند. در اینجا است که ذکاوت و زیرکی ملت ما، به‌خصوص نسل

جوان، باید به کمک ما بیاید تا به جای پیوستن به جهانی سازی تحمیلی، با تکیه بر کرامت و عزت خود و با اعتماد به قدرت ابتکار و خلاقیت و پیشه کردن بردباری و صبر، فرهنگ خود را تعالی بخشیم و در این رقابت جدی و سخت، موفق باشیم.

حال که جهانی شدن ارتباطات و تبدیل جهان به یک دهکده، این فرصت را ایجاد کرده است که افکار و عقاید در میدان جهانی به رقابت برخیزند، کدام عقیده و کدام روش زندگی لیاقت دارد به طور طبیعی مورد پذیرش ملت های مختلف قرار گیرد؟ چنین به نظر می رسد که عقیده ای با شاخصه های زیر می تواند جهانی شود :

۱ با فطرت انسان و ویژگی های فطری او سازگار باشد.

۲ مبتنی بر عقلانیت و قابل دفاع عقلی باشد.

۳ توانایی پاسخ گویی به نیازهای اصلی دنیای امروز، مانند عدالت اجتماعی، را دارا باشد.

۴ از پشتوانه و تأیید الهی برخوردار باشد.

با تأملی در عقاید اسلام این ویژگی ها را در دین اسلام می بینیم. با تشکیل حکومت جهانی اسلامی، آرمان والای جامعه بزرگ بشری و خانواده انسانی تحقق می پذیرد و آرزوی دیرینه همه پیامبران و مصلحان و انسان دوستان برآورده می گردد.

بخش بزرگی از تضادها، ستیزها، استکبارها و استضعافها، در کل جامعه بشری از حکومت های طاغوتی و از درون کاخ ها سرچشمه می گیرد و به دست این گونه دولت ها و حکومت ها گسترش می یابد. اغلب مردم در همه جوامع به خیر و نیکی گرایش دارند و نوع دوست و مهربان اند و این حکومت ها و قدرت های فاسد هستند که به کژی ها و بدی ها دامن می زنند و جوامع را به فساد می کشانند. آنان برای جذب و جلب منافع بیشتر تضاد و درگیری پدید می آورند و با تبلیغ، تلقین و اجبار توده های نجیب انسانی را به ناسازگاری و تخاصم وامی دارند و رویاروی هم قرار می دهند.

در دوران رهبری حضرت مهدی علیه السلام با ایجاد مدیریت واحد الهی و حاکمیت یگانه قانون اسلامی، عامل اصلی فساد و تباهی و ظلم نابود می شود و انسان ها بدون ترس از فشارها برادر و مهربان در کنار یکدیگر زندگی می کنند، کمبودها و عقب ماندگی ها جبران می گردد و امت واحد انسانی شکل می گیرد.



